

پیوندهای متزلزل!

تذاکروا الشؤم عندابی عبدالله (ع) فقال
الشؤم فی ثلثة : المرأة والابنة والدار
فاما شؤم المرأة فكثرة مهرها و عقوق
زوجها .

✦ مشکل زناشویی

✦ طبیعت و کمال

(نقل از من لا یحضره الفقیه) .

در نزد امام صادق (ع) گفتگو از نامبارکی بمیان
آمد فرمود : نامبارکی در سه چیز است : درزن
و مرکب و خانه و اما زن بدقدم و نامبارک آنست
که مهریه اش سنگین باشد و رضایت شوهر خود را
تأمین نکند . . .

✦ بهترین ازدواج

✦ اختیارات تامه

مشکل زناشویی - حقیقت تلخی که همه بآن اعتراف داریم آنست که وضع تشکیل
خانواده و تبدیل زندگی فردی باجتماعی خانوادگی در محیط ما کار مشکل و خطرناکی
است بطوریکه میتوان گفت : بی شبهات بمیدان جنگ رفتن نیست ؛ باین تفاوت که همواره
احتمال شکست و مغلوبیت آن از پیروزی فزون تر میباشد ؛

گروهی از جوانان ما روی همین اصل و عوامل دیگری از اول ؛ فکر تشکیل خانواده
و زندگی اجتماعی را از منظر خود بیرون کرده ، زندگی آزاد و تجرد را اختیار مینمایند .
جسمی دیگر که چندان باروش و طرز دست اولی یعنی باینگونه آزادی و بی بندوباری، توافق
و همراهی ندارند بامید تشکیل زندگی خانوادگی باین در و آن در میزنند و برای پیدا کردن
همسر سمی و جدید فراوان مینمایند ، ولی متأسفانه پس از برخورد بیک مشت توقعات و جا و
تقاضاهای جورواجور کم کم عقب نشینی اختیار نموده بصف طرفداران زندگی مجرد ملحق

میگردند . دسته سومی هم وجود دارند که برخلاف گروه اول و دوم معتقد بزندگی مجرد نبوده اند و از این سدسکندر توقعات و خواهش های بیجا گذشته بزندگانی خانوادگی رسیده اند. البته نمیتوان انکار کرد که از این عده جمعی دارای زندگی باسعادت بوده و در ظاهر ؛ خوشبختی بکانون زندگی ایشان روی آورده است ، ولی از قرائن و خصوصیات که شب و روز بوسیله روزنامه ها و مجلات بدست میآید ؛ چنین برآورد میشود که بسیاری از این پیوندها برشالوده و اساس صحیحی استوار نگردیده است لذا عده ای از این ازدواجها چندان دوام و ثباتی نداشته پس از گذشت ایامی خود بخود رشته های آن از هم باز شده ؛ پس ازدعوی و تشاجر سرانجام کار بطلاق و انفصال میکشد و بقول یکی از نویسندگان
«هنوز اختلافات ناشی از ازدواجهای ناجور و ناباب بزرگترین رقم پرورنده - های دادگستری ما را تشکیل میدهد» ۱

بسیاری از این ازدواجها در عین اینکه مناسبات همزیستی و توانی در آن وجود ندارد باز همچنان ادامه دارد البته این دوام از این جهت است که طرفین بابکی از آن دو روی ملاحظه برخی از خصوصیات نخواستند و یا نتوانسته اند کانون خانوادگی سرخود را برهم زده از یکدیگر جدا شوند لذا ناراحتی ها و رنج های درونی را پنهان کرده ؛ بزندگی جهنمی خود ادامه میدهند و بار سنگین آنرا بر دوش می کشند .

چه بسیار از زنان و مردانی که همانند معکوبه بینی در کنج خانه های بسیار بیا و عالی، زندانی بوده هر لحظه آرزو میکنند که ای کاش هرگز بچنین ازدواجی دست نمیزدند . . . این گروه از مردان و زنان در محیط فاسد و اجتماع آلوده مسافران است منتهی عده بیشماری از آنها تا آنجا که قدرت و توانایی بشری ایجاب میکند راه صبر و شکیبایی در پیش گرفته مانند شمع میسوزند و میسازند و جمعی دیگر این رنج های درونی را برای خوشبختی و سعادت کودک آن خردسال تحمل کرده برای اینکه کودکان بیگناه و معصوم ایشان گرفتار دام های فساد اجتماعی نشده آواره و در بدر نگردند .

ولی گاه و بیگاه کاسه صبر بعضی از آنها لبریز شده، دست با اقدامات حادی از قبیل انتحار و جنایت می زنند .

در شماره روز چهارشنبه ۱۸ آبان ماه روزنامه اطلاعات چنین درج کرده بود که يك زن و شوهر جوانی در یکی از کافه های اطراف شهیران پس از خوردن هم هر دو جان میسپارند البته باعتراف خود این جوان در ضمن نامه ای که بدست مأمورین افتاده بود این خودکشی ناشی از اختلاف موجود میان زن و شوهر بوده است . باز چندی

قبل در مجلات و روزنامه‌ها نوشتند که : «مردی بنام قلی با داشتن هشت فرزند و بیست سال زندگی کردن سرانجام «عذرا» زن خود را با (۴۲) ضربه کارد کشت » !!
و هنوز بسیاری از خوانندگان روزنامه‌ها و مجلات ناله‌های جانسوز آن جوان محکوم را فراموش نکرده‌اند که از گنج زندان خاطرات تلخ زندگی خود را شرح داده و برده‌های فساد اجتماعی را کنار زده و اعتراف میکند که کدام علت باعث شد که بدست خود همسر زیبای خود و زن دیگری را هدف گلوله قرار داده و به دیار مرگ فرستاده است !

البته بسیاری از این حوادث ناگوار ، معلول عدم دقت و تأمل در هدف و اساس ازدواج و پیوندهای زناشویی است ؛ چه بسیاری از افراد جامعه هنوز زندگی خانوادگی را امری ساده و کوچک شمرده ؛ با نظرها و هوس بدان نگاه می‌کنند و با خیالهای شاعرانه و بچگانه دنبال این امر حیاتی می‌روند ؛ همه میدانیم که پیوندهای خانوادگی در ایام گذشته از امروز پایدارتر بود ؛ آسایش و راحتی در خانواده‌های پیشین بهتر و کاملتر یافت میشد ولی در زمان ما از این آسایش و راحتی کمتر عین و اثری بجا مانده بلکه شکنجه‌های روحی و فشارهای قلبی شربت زندگی را تلخ و زهر آکین نموده است در نتیجه زن و مرد کنونی هر دو افسرده و پژمرده میباشند .

در شماره (۱۳) خواندنیها سال (۲۱) تحت عنوان «مشکل عجیب» میگوید :
«جوانی اینطور هیمنویسد : من و همسر من تمام کتابهایی را که درباره مسائل زناشویی چاپ شده است خوانده‌ایم و هر مقاله‌ای که در مجلات درباره این موضوع درج میشود با دقت مطالعه میکنیم و میکوشیم زندگی زناشویی و روابط خود را با اصول صحیحی که در آن کتابها و مقالات مطرح شده تطابق دهیم ، ممدک برخلاف وعده‌ای که در آن کتابها و مقالات داده میشود احساس خوشبختی نمی‌کنیم و احساس میکنیم که کم کم شکاف عمیقی بین ما بوجود میآید ؛ و نمیدانم چه کنم ؟ مراراً نمائی کنید »

در اینجا این سؤال پیش میآید: در زمانی که سطح معلومات عمومی افزایش یافته و میزان دانش و فرهنگ افراد جامعه بالا رفته ؛ و انواع کتابهای روانی و اخلاقی که در سابق یک‌هزارم آن وجود نداشت در دسترس عموم قرار گرفته و درباره آداب زندگی و تشکیل خانواده و سایر امور اخلاقی سخن راننده میشود چرا پایه و اساس خانواده‌ها اینقدر سست و لرزان است ؟ !

طبیعت و کمال - درجهان طبیعت نفس و عیبی وجود ندارد نظام آفرینش از اشتباه و غلط برکنار است، در پدیده‌های طبیعی خطا و تقلب یافت نمیشود. همان جلوه و شکوهی که صبحگاهان در اشعه تابان خورشید دیده میشود در کوچکترین مظاهر عالم طبیعت وجود دارد مواد اولیه طبیعی که بدست مامیرسد سالم و خوب است اما وقتی بدست ستمکار آدمیزاد میرسد با دستهای خائن و دیده‌های شرربار خود نقشه‌های خیانت و تقلب ترسیم میکند.

انتخاب همسر امری است طبیعی همانند غذا خوردن و خوابیدن احتیاج بتکلف ندارد لذا از روز نخستین که بشر در این خانه گیتی قدم گذارد روابط زنا شویی برقرار بود، چه آنچه ما را با هم ازدواج دعوت میکند همان غرائز و عواطف طبیعی انسان است تجهیزات طبیعی زن و مرد استوارترین دلیلی است که زن و مرد نیازمند بیکدیگر میباشند و هر کس با اساس زندگی خانوادگی و اختیار همسر مخالفت کند اگر مجاز گویی نکرده و یا مصالح مهمتری را در نظر نگرفته باشد، یقیناً بنواقص جسمانی گرفتار خواهد بود چه انسان سالم فطرتاً احتیاج بهمسر دارد.

ولی همین امر طبیعی وقتی بدست انسان ستمگر میآیند آنرا وسیله رسیدن باغراض مادی و هوسهای شهوت انگیز خود قرار داده از اول اساس ازدواج طبیعی را بر پایه‌های لرزان هوا و هوس میگذارد و آنچه بدیهی است همان تزلزل و بی ثباتی بنا نیست که روی این پایه‌ها برپا شده است.

با تمام ترقیات و تکاملاتی که نصیب بشر کنونی شده و هر لحظه سخن از آزادی و حقوق بشریت بر میان نیاید متأسفانه تمسکاتی و چنایت بشر از میان نرفته بلکه با اندک تغییر و تبدیل در رنگ و شکل همان حقیقت تلخ تکرار میگردد.

امروزه بسیاری از پیوندهای اجتماعی از صورت ازدواج و انعقاد کانون خانوادگی خارج شده بلکه در حقیقت نوعی از مبادله و معامله میباشد، منتهی در یک طرف معامله دختری معصوم و بیگناه و در طرف دیگر مقام و ریاست و پول و... قرار گرفته است.

اگر بسایر ازدواجها نگاه کنیم خواهیم دید اختیار همسر در محیط اجتماعی ما واقفاً کمر شکن میباشد، اگر از توفقات بیجا و تقاضاهای ناروای اطرافیان دختر بگنوریم تازه بمانی بزرگتر برخورد خواهیم کرد و آن مهر به سنگین است.

امروزه یکی از افتخارات و کمالات هروس آنست که مهریه اوسنگین باشد شاید هم مال اندیشی و دوراندیشی بپزبان و مادران درسنگینی مهریه بی دخالت نباشد. ولی اگر آنها

کمی با نظر دقیقی در این کار دقت کنند و خواهند دید که اولین ضربتی که بکانون آسایش خانوادگی وارد میآید از همین رهگذر است.

روشن است که در موارد بروز اختلافات و تشاجرات خانوادگی زن باتکاء اینکه مهریه اوسنگین بوده و شوهر از پرداخت آن عاجز است بجای اینکه راه مسالمت و موافقت را در پیش گیرد با سلاح « مهریه سنگین » در برابر مرد حاضر بشکین و خضوع نخواهد بود و شاید همین استقامت و لجباجت منشأ اختلافات و تنازعات فراوان تری شده، و کاریاشدگی خانواده و طلاق برسد.

بهترین ازدواج - مهریه زن از نظر قوانین حقوقی اسلام یکی از حقوق مسلمة زن

شمرده شده و مهریه هر قدر هم زیاد و سنگین باشد از پرداخت آن نمیتوان خودداری کرد.
«وان اردکم استبدال زوج مکان زوج و آلیتم احداهن فنظاراً فلا تأخذوا منه شیئاً - یعنی اگر خواستید همسری بجای همسری گزینید و یکی از ایشانرا پوست گاوی بر از طلا و نقره دادید چیزی پس نگیرید» (سورة نساء آیه ۲۴).

البته این نکته هم روشن است که دین سعادت اجتماعی را از نظر دور نداشته است، و اجتماع چنانکه احتیاج بقوانین حقوقی و جزائی دارد بهمان مقدار یا بیشتر با ادب اخلاقی نیازمند میباشد؛ اسلام همانطوری که احتیاجات قانونی اجتماع را تأمین نموده در همان موارد نیازمندیهای اخلاقی را از نظر دور نداشته است؛ اسلام مهریه را از نظر قانون قضائی حق مسلم زن دانسته و فرموده مانند سایر دیون از پرداخت آن نباید استکفاف و خودداری کرد؛ ولی از نظر جنبه های روانی و اخلاقی برای اینکه حدفاصلی میان زن و مرد وجود نداشته و تشکیل زندگی خانوادگی بسهولت و آسانی صورت پذیرد «مهریه» را تقلیل داده است؛ و زیاد بودن مهریه را مورد انتقاد قرار داده است.

قانونگذار اسلام مهریه سنگین را نشانه بدقمی دانسته و از آن مذمت نموده و سادگی و بی آلاشی در امر ازدواج را پسندیده و نیکو شمرده. در کتاب «نهج الفصاحه» رسول خدا (ص) فرماید «**خیر النکاح ایسه**» یعنی بهترین ازدواجها آنستکه آسان تر انجام گیرد و در جای دیگری از آن کتاب، در مقام تحسین و تقدیر از زن خوب فرموده «**خیر نساء امتی اصبحهن وجهاً و اقلهن مهراً**» یعنی بهترین زنان امت من آنهایی هستند که زیباتر و مهریه ایشان اندک تر باشد و امام صادق (ع) فرمود: **زن نامبارک زنی است که مهریه او زیاد باشد.**

این دقت و مراقبت قانونگذار اسلام علاوه بر این که تشکیل زندگی خانوادگی را آسان

نموده و بامشکل زناشویی مبارزه نموده اصولاً اساس و پایه ازدواج را بر یگانگی و اتحاد گذارده است ولی چون محیط زناشویی مرحله خطرناک و مشکلی می باشد اسلام باین مقدار از بی آلاشی و سادگی اکتفاء نکرده بکلی از همان ابتدای ترین مرحله ازدواج بگنشت و فداکاری اشاره نموده است البته این فداکاری در درجه اول از طرف زن آنهم بوسیله بخشیدن مهریه آغاز میگردد و خواننده عزیز خود میدانند که این از خود گذشتگی در آغاز زناشویی از طرف زن چه عکس العملی در روحیه و وجدان مرد بوجود خواهد آورد «عن ابی عبد الله (ع) قال قال النبی (ص) ایما المرأة تصدقت علی زوجها قبل ان یدخل بها الا کتب الله لها بكل دینار عتق رقبة قبل ینا رسول الله فکیف بالهبة بعد الدخول؟ قال انما ذلك من المودة والالفة» از امام صادق (ع) چنین روایت شده که رسول اکرم (ص) فرمود: هرگاه زنی پیش از انجام زفاف مهریه خود را بشوهرش ببخشد خداوند بهر دیناری آزاد کردن بنده ای را با و پاداش دهد از رسول اکرم (ص) پرسیدند اگر بعداً بچنین کاری اقدام کند چگونه خواهد بود؟ فرمود آن دیگر از کمال مهر و الفت خواهد بود.

اختیارات نامه

هامل دیگری که در تزلزل خانواده ها مؤثر است این نکته است که: در سابق این آزادی بی بندوبار پسران و دختران وجود نداشت، اگر دختری بشوهر میرفت و یا پسری زن اختیار میکرد نقش عمده این زناشویی ها در دست اولیاء هر دو طرف بود. یعنی افکار و نظار ایشان در این امر حیاتی مؤثر بود و نمیتوان انکار کرد که بختگی پدران و مادران در انتخاب همسر تأثیر فوق العاده داشته است. ولی امروزه در اثر افراط در آزادی و معاشرتهای نامحدود دختران و پسران وضع، دگرگون شده تعیین و انتخاب همسر بدست خود پسر و دختر سپرده شده و اولیاء هر دو طرف نوعاً در برابر عمل انجام شده قرار گرفته جز تسلیم و رضا چاره ای ندارند، بدیهی است آنها هم در این سن و در این شرایط بجز بی رضایان جنسی و تحقق بخشیدن بر رویاهای از این قبیل؛ نمیاندیشند.

البته موضوع انتخاب همسر آیا باید بوسیله پدران و مادران انجام گیرد؟ و یا توسط خود دختر و پسر باید صورت گیرد؟ بحث دیگری است که خودشایان دقت و تأمل است و باید جداگانه مطرح گردد و در پیرامون آن گفتگو شود؛ ولی آنچه جای تردید و شبهه نیست آنست که در محیط ما و اوضاع اجتماعی ما که در انحطاط اخلاقی بسر برده؛ و فساد اجتماعی هر لحظه زیادتر میشود؛ دادن اختیارات تام و تمام بدست دختران و پسران جوان در انتخاب همسر غالباً بزبان آنها تمام شده و هوای محدودناک و نامطلوبی بیار میآورد.